

مبانی جرم انگاری حاکم بر کرونا ویروس در نظام حقوقی ایران

مجید مولوی^۱

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی

محمد باقر تاجی

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی

چکیده

ایدز بعنوان یک بیماری نوظهور در عرصه جهانی و گسترش و شیوع آن در دو دهه اخیر جامعه بشری را با چالش بزرگ مواجه ساخته، هر روزه افراد بسیاری قربانی این بیماری می شوند، در این بین افرادی هستند که عاملان یا غیر عاملان به گسترش این بیماری و انتقال آن به دیگران مبادرت می ورزند، در حالی که در حال حاضر هیچ گونه قانون خاصی جهت مقابله با این پدیده دهشتناک در کشور ما وجود ندارد و این بحث پیش می آید که آیا این قبیل افراد مسوولیت کیفری دارند و آیا سیاست کیفری خاصی در این مورد در کشور ما وجود دارد. مشکل اساسی در برخورد با این پدیده در حال گسترش، عدم پاسخگوی مناسب در نظام تقنینی ایران می باشد. لذا پس از مطالعه در این خصوص نتایجی حاصل شد که مهمترین آن عبارتند از: ۱- انتقال ویروس ایدز و دیگر امراض مسری کشنده می تواند تشکیل دهنده رکن مادی جرایم علیه انسان قرار گیرد، اگر چه در متون گذشتگان نیز تحت عنوان سرایت بدان اشاره شده است ولی در شکل امروزی آن نمی تواند پاسخگو باشد. و به دلیل وجود خلاء قانونی، این نتیجه حاصل شد که جرم انگاری دقیق و روشن، می تواند نتایج مطلوبی را برای جامعه و حفظ حقوق بزه دیده، در بر داشته باشد ولی تا آن زمان می بایست با قوانین عام، انتقال دهندگان این بیماری را مسئول بشماریم.

واژگان کلیدی: ایدز، هپاتیت، مسوولیت کیفری، مبانی جرم انگاری

یکی از اقسام جرایم علیه تمامیت جسمانی و سلامت انسان ایجاد صدمات بدنی و جانی ناشی از سرایت است این شیوه از جنایت از گذشته‌های دور، از قبیل مسموم کردن با سم و یا سرایت جراحت رایج بوده است و در حال حاضر با توجه به گسترش روابط اجتماعی و پیشرفت علوم و فنون، حالت پیچیده تر و خطرناک تری یافته است. امراض مسری کشنده بسیاری در حال حاضر وجود دارد که می تواند موضوع بحث قرار گیرد بیماری ایدز که به بیماری قرن نیز شهرت دارد، بیماری نو ظهوری است که مردم جوامع مختلف دنیا را با آلودگی خود تهدید به مرگ می کند. این بیماری خطرناک که در سال های اخیر شیوع غافلگیر کننده ای داشته و محققان و پزشکان را به تفکر و چاره جویی وا داشته است، نوعی بیماری مسری و واگیردار است که تاکنون آمار دقیقی از تعداد مبتلایان به آن در جهان ارائه نشده است. اما همین آمارهای تخمینی که رقم ده میلیون نفر را اعلام نموده اند، این تذکر را داده که هیچ قطعیت در این آمار وجود ندارد و چه بسا بیش از این تعداد مبتلایانی باشند که خود نیز از بیماری خود آگاهی ندارند. (خالقی، ۱۳۸۴، ص ۸) تماس جنسی عامل بیش از ۷۰ درصد موارد ابتلا به ایدز می باشد. و حدود ۱۷ درصد از مبتلایان به ایدز در غرب را معتادان تزریقی تشکیل می دهند. برای مقابله با این بیماری خطرناک و جلوگیری از همه گیر شدن آن به کل جهان، تدابیری توسط متخصصان علم پزشکی و سازمان بهداشت جهانی (WHO) اندیشیده شده است. طبق توصیه بسیاری از متخصصان و گزارش سازمان بهداشت جهانی، بهترین شیوه مقابله با شیوع ویروس ایدز و ایمنی از آن پیشگیری می باشد. در حال حاضر، بیشترین مناطق از جهان که ایدز در آن ها در حال گسترش و همه گیر شدن است، به ترتیب: آفریقا، امریکا، اروپا و آسیا، به خصوص هند است. بر اساس آمار منتشر شده توسط مرکز کنترل بیماری های وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی در ۳۱ خرداد ۱۳۸۵ تعداد کل موارد ابتلا به ویروس HIV در ایران رقم ۱۳۳۵۷ نفر رانشان می دهد

و تعداد کل موارد فوت تا تاریخ مذکور، ۱۶۲۴ نفر است در این تکاپوی جهانی به منظور کنترل این بیماری، نقش و کارکرد رشته ارزشمند حقوق- علی الخصوص حقوق کیفری- در خور اعتنا و توجه بوده و نسبت به سایر رشته‌ها نیز ممتاز می‌نماید. اصولاً حقوق و قواعد حقوقی متأثر از اوضاع و احوال و نیازهای اجتماعی بوده و وظیفه آن نیز وضع و کنترل هنجارها و پاسخ به همین نیازهاست. از این رو است که به حقیقت نمی‌توان از کنار چنین حربه‌ای در مقابل چنین معضلی به آسانی و بی‌اعتنا گذر نمود. عمده تلاشهایی که در این رابطه و در مقابله با انتقال بیماری ایدز صورت پذیرفته است، ناظر بر اعمال سیاستهای کیفری در قلمرو حقوق جزا بوده و تلاش شده با فرض مسوولیت برای ناقل آن اندکی از سرعت شیوع این بیماری کاسته شود. در این فرض امید می‌رود که اعمال مجازات بر انتقال ایدز بتواند چنین قصدی را در اذهان مبتلایان، منتفی نموده و ترس از مجازات و مکافات عمل، این گروه را از اجرای اهداف مجرمانه خویش بازدارد. با اجرای مجازاتها نیز این انتظار می‌رود که آثار عبرت انگیز آن در تعدیل تمایلات بزهکارانه دیگران مؤثر افتد و کسانی را که چنین افکاری در ذهن می‌پروراند، از حرکت باز ایستاند. اینکه چرا ایدز با ظهور خود توانسته است بیش از سایر بیماریها اعمال سیاستهای کیفری را توجیه بردار نماید به دلیل ویژگی‌های خاص این بیماری است. در اینجا این سوال پیش می‌آید که به راستی، تکلیف حقوق در رابطه با شیوع بیماری ایدز به عنوان پدیده ای نوظهور چیست؟ متأسفانه در کشور ما هیچ گونه تحرکی در این زمینه به چشم نمی‌آید. بدرستی معلوم نیست که آیا نهاد قانونگذاری، اعمال سیاست‌های کیفری را در این زمینه لازم می‌داند و آیا نهادهای عدالت گستر حقی را برای قربانیان این بیماری به رسمیت می‌شناسد یا خیر؟ بنابراین مشکل اساسی در حال حاضر حمایت از این بزه دیدگان از طریق مقابله کیفری و مجازات با عاملین انتقال دهنده است.

بخش اول: مبانی جرم انگاری ایدز

هم زمان با روند رو به گسترش ایدز در جوامع، این سؤال در بین حقوقدانان مطرح شده است که آیا جهت پیشگیری و یا کنترل این بیماری، نیازی به اتخاذ سیاست‌های کیفری بوده یا آنکه نباید داخل در حریم خصوصی افراد شده و بر آزادی‌های شخصی آنان خدشه وارد نمود؟» نباید نقش حقوق جزا در ارتباط با ایدز و مشکلاتی که به دنبال آن حادث می‌شود را نادیده گرفت. حقوق جزا احتمالاً در پیشگیری از بی‌توجهی به رفاه حال دیگران نقش خواهد داشت. انتقال ایدز را نباید جزء دسته بندی خاص قرار داد، اما می‌توان جزئی از ممنوعیت کلی قرار دادن دیگران در معرض بیماری‌های مهلک یا آسیب‌مهم وارده بر سلامت دیگران دانست.» (عباسی، بی‌تا، ص ۸۰) در نظر پیروان مکتب تحقق اجتماعی «وظیفه حقوق عبارت است از کشف و مطالعه قواعدی، که بر گروه‌های انسانی حکومت دارد یعنی حقوق علمی است که موضوع آن بررسی حوادث اجتماعی و سیر تاریخی آن‌ها و کشف قواعد حاکم بر رویدادهای اجتماعی است» (سپهوند، ۱۳۸۶، ص ۹۸) به راستی تکلیف حقوق با شیوع بیماری ایدز به عنوان پدیده‌ای نوظهور چیست؟ بر چه مبنای، انتقال این بیماری را می‌توان جرم دانست؟

۱- پیمان باهمادی (دفاع اجتماعی): ایدز اگر چه در نخستین ظهور خود نشانه خشم خداوند بر گروه همجنس‌بازان تصور شده و مبتلایان به آن نیز سزاوار چنین مجازاتی به شمار می‌آمدند لکن آرام، آرام با روند رو به گسترش خود به یک مقوله جهانی تبدیل شد. همه اقشار از پیر و جوان، فقیر و غنی، زن و مرد، با این معضل عظیم گریبان‌گیر شده و هر آن خود را در معرض ابتلاء به آن احساس می‌کنند. لذا جامعه می‌بایست در مقابل این پدیده جدید و خطرناک از خود حفظ و حراست نماید. و سیاستی را جهت مقابله با این پدیده اتخاذ کند. گسترش این پدیده از سوی هر فردی چه عامدا و چه غیر عامدا ارتکاب یک عمل ضد اجتماعی و خطر آفرین

برای اجتماع محسوب و حق کیفر را برای جامعه به وجود می آورد تا دفاع اجتماعی بهتر تامین شود. مبداء سیاست جنایی دفاع اجتماعی، حمایت از فرد و حتی حیثیت رفیع موجود انسانی است «(میلانی، ۱۳۸۷، ص ۱۱) دفاع اجتماعی، بزهکاری را پدیده ای انسانی، اجتماعی می شمارد، یعنی پدیده ای که به منافع اجتماعی صدمه زده و اجتماع را ملزم به دفاع در مقابل این پدیده در قالب وضع قوانین و کیفر می نماید. لذا انتقال و ویروس کشنده ایدز با توجه به روند رو به گسترش آن فعلی مناسب جرم بودن است و حمایت جامعه را چه در قالب جرم مدنی و یا جرم کیفری در مقابله با آن می طلبد. لذا دفاع اجتماعی می تواند یکی از مهمترین مبانی، در جهت کنترل و پیشگیری و درمان این بیماری ایفاء نقش نماید.

۲- اجرای عدالت: از دیگر مبانی جرم انگاری که می توان در این مقوله از آن ها نام برد، اجرای عدالت و حفظ منافع اجتماعی است. طرفداران مکتب نئوکلاسیک قائل بر این امر هستند، که اجرای عدالت و حفظ منافع اجتماعی حق جامعه است در برقراری مجازات نظریه پردازان بر این باورند جرم یک عمل زیان آور و برخلاف اخلاق و عدالت است و بزهکار کسی است که دستورهای اخلاقی را زیر پا گذاشته و نظم اخلاق جامعه را دچار آشفتگی می کند، پس عدالت اقتضاء دارد که مجرم به مجازات برسد. (یوسفیان، ۱۳۸۴، ص ۱۴) کسانی که عالماً به گسترش بیماری ایدز، در جامعه اقدام می نمایند، در حقیقت سلامت و امنیت اجتماعی و بهداشتی جامعه خویش را با خطر رو به رو می سازند و این ترس را در دیگران به وجود می آورند که هر آن در معرض ابتلاء به این بیماری قرار خواهند گرفت. لذا اجرای عدالت و حفظ منفعت همگانی یکی از دلایل توجیه حق کیفر و جرم انگاری ناقلین بیماری ایدز می باشد. به نظر پیروان مکتب تحقیقی: مجازات به خاطر دفاع اجتماعی، حفظ امنیت و تضمین حقوق افراد ضروری می باشد، و به نظر این مکتب یک فرد به حکم ضرورت و به خاطر زندگی در جامعه هر گاه خطری را برای جامعه فراهم نماید، مسئولیت اجتماعی خواهد داشت و به ناچار باید

مجازات را تحمل نماید (روشن، ۱۳۸۶، ص ۲۶) ایدز از جمله بیماریهای واگیردار محسوب و سرانجام مبتلایان به آن جزء مرگ تدریجی و دردناک چیزی دیگری نیست. لذا خطری جدی برای جامعه و زندگی افراد به حساب می آید چرا که طرق انتقال این بیماری آن را از سایر بیماری ها و امراض متمایز می نماید، ویروس بیماری ایدز برای ادامه حیات، راهی جزء انتقال به بدن قربانی خویش ندارد و این را نیز از تماس خونی و ترشحات جنسی امکان پذیر می سازد و دقیقاً به این خاطر است که پیشگیری را به وسیله جرم انگاری بر ناقلین آن امکان پذیر می نماید. (سرکانی، ۱۳۸۵، ص ۱۳) جرم یک پدیده طبیعی و اجتماعی است و شامل هر عملی است که وجدان عمومی را جریحه دار می کند» (میرزاده، ۱۳۸۴، ص ۶) به طور حتم انتقال این بیماری حتی به صورت غیر عامدانه خصوصاً به شکل گسترده آن وجدان عمومی را جریحه دار می کند و خسارات مادی و معنوی بسیاری را بر مبتلایان آن وارد می سازد که می بایست با جرم انگاری و سعی در اعمال مجازات در جهت رسیدن به اهداف مجازات که از جمله آن پیشگیری و ارعاب و اصلاح بزهکار است این خسارات را جبران و قدری امکان کاهش انتقال ایدز را بر ناقلین آن فراهم آورد.

۳- تاوانخواهی: در جرایم و زیان هایی که به اشخاص وارد می شود، تاوانخواهی رسم متداول بوده و راهی جهت آرامش زیان دیده است در صورتی که بر ناقلین این بیماری کشته شده مسئولیتی بار نشود و از سوی نهاد قانونگذاری، سیاست کیفی در نظر گرفته نشود، به طور حتم، حس تلافی جویی و انتقام، قربانی را به سوی سایر افراد جامعه سوق داده و درصد انتقام جویی از سایرین بر می آید. نه تنها نظم عالم هر گونه ستم را محکوم می کند، بلکه وقتی ستم سایه گسترده این نظم، کیفی را برای آن می شناسد که موجود معنوی به پیروی از آن ملزم است، پرهیز از این کیفر، تخطی دیگری از نظم و فرورفتن در بی نظمی و تیره روزی است

۴- حمایت از بزه دیده : حفظ حقوق بزه دیدگان و قربانیان ناشی از انتقال بیماری ایدز نیز ایجاب می کند سیاست کیفری خاص در جهت مجازات ناقلین در نظر گرفته شود و صرفاً با یک سری جرایم سستی و از قبل موجود، به دلیل نداشتن قانونی خاص در این زمینه، به مجازات ناقلین آن پرداخته نشود چرا که تناسبی بین جرم صورت گرفته و مجازات های مندرج در این جرایم وجود ندارد. در کتاب دفاع اجتماعی و دگرگونیهای حقوق کیفری معتقد است : « کیفر چنانچه متناسب با مسئولیت بزهکار تعیین نشود، کارآیی لازم را نخواهد داشت » (رضایی، ۱۳۸۳، ص ۱۲)

در فرض مثال: انتقال بیماری ایدز اگر از طریق آمیزش جنسی صورت پذیرد، وفق قانون طرز جلوگیری از بیماری ها آمیزشی مصوب سال ۱۳۲۰ می تواند قابل مجازات باشد که مجازاتی که در این ماده در نظر گرفته شده است سه ماه تا یک سال حبس می باشد. به طور یقین، انتقال بیماری کشنده ای چون بیماری ایدز، که لطمات روحی و معنوی و جسمانی بسیاری بر روی قربانی خود می گذارد، با این مجازات قابل توجیه نیست. (گودرزی، ۱۳۸۱، ص ۴۱)

در قوانین حاکم ما سرایت بیماری از شخصی به شخص دیگر عنوان مجرمانه ای ندارد مگر آنکه شخصی عمداً و با علم به کشنده بودن این بیماری به هر نحو ممکن موجب سرایت بیماری شود که در این صورت فرقی بین بیماری ایدز بیماریهای کشنده دیگر وجود ندارد بلکه آنچه مورد نظر می باشد، آن است که شخص با قصد نیت مجرمانه، قصد به قتل رساندن شخص دیگری را دارد و این عمل منجر به فوت مجنی علیه می گردد و اینکه این عمل به واسطه تزریق سم سیانور انجام شده و یا انتقال ویروس، تاثیری در قضیه ندارد. اما چنانچه متهم در مقام انکار بر آید، از آنجا که در همه حال بار اثبات ادعا بر دوش مدعی است و به اصطلاح نافی را نفی کافی است و اصل برائت حاکم است، اثبات ادعا در پاره ای موارد غیر ممکن است . لذا با توجه به اینکه سرایت بیماری عنوان مجرمانه ندارد و متهمین نیز در بیشتر موارد در مقام انکار

بر می آیند و اثبات عمدی بودن آنان نیز کار ساده ای نخواهد بود و از طرفی با معظلی نظیر بیماری ایدز مواجه هستیم که در جامعه خطر آفرین است، لذا تدوین قانونی خاص با در نظر گرفتن کلیه جوانب انتقال آن اعم از عامدانه و غیر عامدانه و کلیه آثار ناشی از انتقال آن اعم از خسارات روحی و معنوی و خسارات جانی و مالی و حتی مرگ منتقل علیه، لازم به نظر می رسد چرا که می تواند خطرات این معظل را به حداقل برساند.

بخش دوم: نظر مخالفان جرم انگاری ایدز

۱- در مقام عمل، بر جرم انگاری فایده ای از حیث امکان کاهش انتقال ایدز وجود ندارد. هدف از اعمال مجازات بر رفتارهای مجرمانه چهار امر می باشد. اول آنکه با به حبس کشیدن مجرم می توان وی را از ایراد صدمات و اضرار به دیگران در طول دوره حبس ناتوان و زمینگیر نمود. در حالی که زندانی کردن مبتلایان و انتقال دهندگان ایدز نمی تواند عاملی در جهت عدم گسترش این ویروس به شمار آید. زیرا که در چنین مواقعی انتقال می تواند از طریق هم بندان و یا در طول ملاقات خصوصی مجرمین با خانواده های خود صورت پذیرد. (عباسی، ۱۳۸۱، ص ۱۹) شواهد به درستی اثبات نموده است که زندان ها تا حد بسیار زیادی در معرض تبدیل شدن به مکان هایی جهت انتقال ایدز می باشند، چرا که جدای از روابط نامشروع همچون همجنس بازی میان زندانیان، استفاده از وسایل پیشگیری کننده در روابط جنسی و یا استفاده از سوزن های شخصی و غیر اشتراکی برای تزریق در میان آن ها به ندرت یافت می شود. آن گونه که از شواهد بر می آید، جزء در موارد بسیار نادری اصلاح مجرمان نتوانسته است پس از طی مدت حبس، از ارتکاب مجدد جرم ممانعت به عمل آورد. از این رو مبتلایان به ایدز در آینده نیز، در معرض انتقال آن به دیگران خواهند بود. اهتمام به روابط جنسی نایمن و استفاده مشترک از سوزن های تزریق، از جمله عوامل مهمی هستند که لبه تیز حبس و سایر مجازات ها را کند می نماید.

۲- جنبه اصلاحی و اربعایی مجازات: شاید بتوان گفت که کارکرد اصلاح به عنوان یکی از اهداف اعمال مجازات ها تنها توانسته است که مدت عدم ارتکاب مجدد جرم را اندکی بیفزاید و در از بین بردن جرم تاثیر چندانی نداشته است. در اینکه اربعاب مجرمین نیز توانسته باشد در عمل نقش مهمی را در پیشگیری از انتقال ایدز ایفا نماید، هنوز به طور قطع مشخص نیست. در این رابطه لازم می آید که به سابقه تاریخی برخی جرائم نگاهی عمیق انداخته شود. تاریخ نشان می دهد که اربعاب مجرمین در استفاده از مشروبات الکلی و دیگر مواد نیروزا، روابط جنسی، روسپیگری و... به قدر انتظار نتوانسته است چنین رفتارهایی را محدود ساخته و از ارتکاب مجدد آن ها ممانعت به عمل آورد.^۱

۳- جنبه مکافات و جزا دادن مجازات:

مکافات و تلافی جویی نیز به عنوان آخرین هدف مترتب بر مجازات ها فقط در برخی جرایم توجیه بردار می باشد. تلافی کردن و تشخیص خاطر حاصل از مجازات مجرمین، نمی تواند در پیشگیری از انتقال ایدز و یا تعریض آن به دیگری مؤثر واقع گردد. شاید به همین دلیل است که برخی عقوبت مجرمین را نه هدف مجازات ها، بلکه نتیجه آن قلمداد نموده اند.^۲ به نظر نگارنده جرم انگاری مانع از گسترش بی رویه ایدز در جامعه می گردد. کسی که بداند انتقال ویروس HIV جرم بوده و دارای مجازات می باشد، من بعد در مبادرت به این امر احتیاط خواهد نمود. نظر کسانی که جرم انگاری را عملاً بی فایده می شمارند، جزء نگاهی بدبینانه نیست. بسیاری از مبتلایان به ایدز با علم به وضعیت ابتلا خود به جهت اضرار به غیر، ارضای خویش و همراه نمودن دیگران به درد خود، اقدام به شیوع این بیماری می نمایند. ترس از مجازات اگر چه نمی تواند به طور کلی جلوی چنین رفتارهایی را بگیرد، لاقلاً در کاهش میزان آن بی تأثیر نخواهد بود. ایدز اگر از راه آمیزش جنسی منتقل گردد، مصداق یکی از بیماری های آمیزشی و اگیردار بوده و اگر از سایر طرق انتقال یابد، در حکم سم دادن یا تزریق دارو به شمار خواهد آمد. چگونه می

توان پذیرفت که انتقال بیماری‌های واگیردار جرم بوده، لکن انتقال ایدز به دلیل عدم صراحت قانون مجاز به شمارنیاید. انتقال ایدز در وضعیت کنونی، سرانجامی جز مرگ قربانی خویش به دنبال ندارد. (میرزاده، ۱۳۸۴، ص ۲۸) اگر چه با استفاده از داروهای نسبتاً مؤثری که اخیراً تولید شده اند، می‌توان تا حد بسیار زیادی از مرحله نهایی ایدز فاصله گرفت. لکن دیر یا زود سرنوشت تمامی مبتلایان به ایدز چیزی جز جدال با مرگ نخواهد بود. اگر انتقال ایدز سبب سلب حیات از انسان بی‌گناهی شود، بی‌تردید قتل یک انسان به میان آمده و در صورت عدم فوت نیز حق تمتع و بهره‌برداری از خوشی‌های زندگی از وی سلب گردیده است. از کنار چنین فعل مجرمانه‌ای با چنین پیامدهای ناخوشایندی نمی‌توان به آسانی گذر نمود. اگر چه جرم انگاری در مقوله انتقال ایدز و اعمال مجازات بر ناقلین آن نمی‌تواند به تنهایی مانع از گسترش بی‌رویه این بیماری و پیشگیری از گسترش آن گردد، لکن به نظر می‌رسد که در کاهش میزان آن بی‌تأثیر نخواهد بود. کسانی که عالماً در جهت گسترش ایدز در جامعه اقدام می‌نمایند، در حقیقت سلامت، تندرستی و امنیت بهداشتی جامعه خویش را با خطر روبه‌رو کرده و دیگران را هر آن در معرض ابتلا به آن قرار داده‌اند. اصولاً نباید به چنین اشخاصی مجال و اجازه جولان داد. اعمال مجازات‌های کیفری می‌تواند در زمینگیر نمودن این دسته افراد مؤثر واقع گردد. اینکه بپذیریم هیچ‌یک از اهداف مجازات‌ها نمی‌تواند در مانحن‌فیه کارساز باشد، کمی بی‌انصافی است. با به حبس کشیدن و جداسازی چنین افرادی می‌توان شیوع بی‌رویه HIV را محدود نمود. جرم انگاری و اعمال مجازات‌های نقدی بر ناقلین ایدز می‌تواند منبع درآمد مهمی برای انجام تحقیقات، آموزش، و درمان در این زمینه به شمار آید.

۲. جرم انگاری در این زمینه، در حقیقت ورود قانونگذار به حریم خصوصی افراد می‌باشد. آن‌گاه که فقط سخن از روابط جنسی میان دو نفر به میان می‌آید، اعمال سیاست‌های کیفری با حقوق و آزادی‌های افراد متعارض است.^۱ اتخاذ سیاست‌های کیفری در این زمینه باید به نحوی

باشد که از دخالت مفرط در احوال شخصی اشخاص اجتناب به عمل آمده و تنها آن جا که سخن از ضرر اجتماعی است، بدان متوسل شد. به زعم ما عدم اعتقاد به جرم انگاری به دلیل ورود قانونگذار به حریم خصوصی افراد، امری غیر معقول به شمار می آید. افراد تا زمانی در روابط خصوصی خود آزادند، که اعمال و رفتار آنان سبب اضرار به غیر و آسیب به جامعه نگردد. هیچ کس حق ندارد اعمال حق خویش را وسیله اضرار به دیگری و یا منافع عمومی و جامعه قرار دهد. به علاوه، انتقال ایدز نیز منحصرأ در روابط جنسی غیر حفاظت شده نمی باشد. در مواردی که فرد با اعمالی از قبیل تجارت فرآورده های خون آلوده و سرنگ های عفونی، امنیت بهداشتی جامعه ای را به خطر می اندازد، آن گاه دیگر سخنی از روابط خصوصی و حریم شخصی افراد در میان نخواهد بود.

۳. آموزش افراد می تواند نقش بسیار مهمتری را نسبت به جرم انگاری در پیشگیری از وقوع جرم ایفا نماید. جرم انگاری گرچه در لفظ، اصطلاحی بیش نیست، لکن در عمل مستلزم هزینه های گزافی در مورد تعقیب کیفری بزهکار، محاکمه و مجازات وی می باشد. چنین هزینه هایی را می توان در برنامه های بهتری همچون آموزش انجام تحقیقات و پیشگیری از این بیماری مورد لحاظ قرار داد. جرم انگاری بدون توجه به مقوله آموزش، نه تنها راه به جایی نخواهد برد، بلکه در حقیقت میان بری است برای کسانی که از ادامه جهد و تلاش به منظور ریشه کن نمودن حقیقی این بیماری استنکاف می ورزند. به نظر ما گرچه اهتمام به امر آموزش می تواند نقش بسیار مهمی را در پیشگیری از ارتکاب چنین جرایمی ایفا نماید، لکن التزام به صرف آموزش نیز کارگشا نخواهد بود. از یک سو باید مقوله آموزش مورد توجه قرار گیرد و از سوی دیگر نیز می بایست با متخلفین برخورد شدید و قانونی به عمل آید. وجود هر یک از این دو امر به تنهایی نمی تواند اثر مفید خود را به درستی بر جای گذارد.

۴. جرم. انگاری سبب می شود برخی که احیاناً آلودگی خود به ایدز را محتمل می دانند، هیچ گونه رغبتی در انجام آزمایشات تشخیص ایدز از خود نشان نداده و یا آنکه در صورت آگاهی از آن به ارائه گزارشی از وضعیت خویش و اعلان آن به مراجع قانونی اهتمام نورزند. چه آنکه در صورت اقدام به چنین امری، هر آن در معرض اتهام انجام جرمی در آینده قرار خواهند گرفت. اساساً جرم انگاری بیش از آن که افکار عمومی جامعه را نسبت به ارتکاب چنین جرایمی تسلی بخشد، بیشتر بر پیکره مبتلایان به

HIV یا کسانی که خود را در معرض خطر انتقال آن احساس می نمایند، لرزه خواهد فکند. در چنین شرایطی، شخص مبتلا به ایدز نه تنها در انتظار عمومی مجرمی بالقوه به شمار آمده، بلکه در عرصه مناسبات اجتماعی نیز فردی مطرود و ننگی بر پیشانی اجتماع محسوب خواهد شد که این خود منافعی با حقوق و آزادی های افراد در جامعه می باشد. جرم انگاری سبب می شود که بیش از آنکه وضع سلامت و بهداشت بیمار مطرح گردد، سخن از وضعیت حقوقی او به میان آید و بیش از آنکه سخن از درمان او باشد، بحث از خطرات بالقوه وی برای اجتماع و جداسازی او به میان کشیده شود. به نظر ما این ایراد مخالفان جرم انگاری، زمانی درست است که ما تمامی مبتلایان را مجرم بدانیم در حالی که منظور ما جرم انگاری انتقال دهندگان عمدی این بیماری به دیگران است و در این خصوص هیچ تفاوتی بین این مجرم با سایر مجرمین جرایم دیگر نمی باشد.

۵. مهم ترین دلیلی که مخالفان با جرم انگاری انتقال ایدز عنوان می نمایند، از حیث اثبات دلایل می باشد. شاکی یا تعقیب کننده جرم می بایست به دو مسأله مهم اشاره نماید: اول آنکه اثبات کند متهم واسطه انتقال ایدز بوده و دوم آنکه متهم آگاهانه دست به چنین عملی زده است. اثبات این دو مقوله اگر نگوییم غیر ممکن، بسیار دشوار خواهد بود. در اثبات مقوله اول (عنصر مادی جرم) باید گفت از آن جا که از زمان انتقال ویروس HIV به بدن مجنی علیه تا زمان بروز علائم

و آثار ابتدایی آن فاصله نسبتاً زیادی وجود دارد. (Elliott,1997,p19) فلذا هر چه از زمان ارتکاب فعل مجرمانه می گذرد، اثبات ادله جرم نیز دشوارتر خواهد شد. به عنوان مثال، تعقیب کننده ابتدا می بایست اثبات کند که متهم مبتلاء به ایدز می باشد. جهت حصول به چنین نتیجه ای، انجام آزمایشات تشخیص ایدز ضروری می نماید. در میان حقوقدانان این بحث مطرح شده است که آیا می توان متهم را به انجام چنین آزمایشی اجبار نمود؟ آیا اجبار متهم منافی حقوق و آزادی های فردی وی محسوب نمی گردد؟ در پاسخ به این سؤال گفته شده که تنها عاملی که می تواند متهم را به انجام چنین آزمایشاتی اجبار نماید، حکم دادگاه است. به فرض اثبات آنکه متهم به ایدز می باشد، گام بعدی آن است که اثبات شود متهم در زمان ارتکاب فعل مجرمانه نیز مبتلا به ایدز بوده است. اگر اثبات مقوله نخست با حکم دادگاه و به واسطه آزمایشات تشخیص امکان پذیر می نماید، اثبات این مقوله عملاً "امکان پذیر نیست و چه بسا امکان دارد که متهم بعدها به این بیماری مبتلا شده باشد. مورد دیگری که تعقیب کننده می بایست اثبات نماید، عدم ابتلا شاکی به این بیماری در زمان وقوع جرم می باشد. چه آنکه امکان آن می رود که متهم پس از استماع اتهام وارده بر خود، ادعا نماید که ابتلا او به ایدز ممکن است از طریق خود شاکی صورت پذیرفته باشد. مورد دیگری که باید ثابت گردد، این است که متهم علت منحصراً انتقال ایدز به شاکی می باشد. به فرض آنکه ثابت گردد که متهم اکنون مبتلا به ایدز می باشد و در زمان انجام فعل مجرمانه نیز آلوده بوده و مجنی علیه نیز در آن زمان از وضعیت سلامت برخوردار بوده است. حال چگونه می توان اثبات نمود که عمل متهم سبب انتقال ایدز به مجنی علیه را فراهم آورده و شاکی خود بعدها بدان مبتلا نشده است؟

نتیجه گیری

جرم انگاری رفتارهای انتقال دهنده ویروس HIV و تصویب قانون خاص در این رابطه امری لازم و ضروری است. به نظر می رسد تصویب و اعمال قانون خاص در ارتباط با انتقال ایدز، می تواند تا حد زیادی در تعریف دقیق تر از فعل مورد منع قانون مؤثر باشد. چه آنکه در غیر این صورت مجبور خواهیم بود جهت دستیابی به مفاهیم اولیه و تعریف ساده ای از جرم مورد نظر به آرای محاکم و رویه قضایی رجوع نماییم. وضع قانونی خاص، احتمال اشتباه در فهم مفاهیم مربوط را کاهش داده و هم آنکه از آراء و اعمال مجازات های مختلف بر عملی واحد ممانعت به عمل می آورد. عدم وجود قانونی خاص و به تبع توسعه مفهوم رفتارهای مخاطره آمیز، نه تنها سبب کاهش ضمانت اجرای کیفری آن شده، بلکه موجب اعمال مجازات های سنگین و به نحو نامناسب با جرم می گردد. و چنین امری نهایتاً توفیق چندانی در هدف مزبور نخواهد داشت. در حال حاضر و در فقدان وجود قانونی خاص، برای مجازات نمودن رفتارهای انتقال دهنده ایدز می توان از عناوین سنتی و یا عام حقوق جزای کنونی بهره مند شد. در این میان، اگر انتقال ایدز موجب مرگ بزه دیده شود، برابر با مقررات مربوط به قتل عمد قابل تعقیب خواهد بود و چنانچه انتقال ایدز به عنوان سلاخی جهت کشتن دیگری مورد استفاده قرار گیرد. لکن نتیجه مزبور خارج از اراده فاعل آن محقق نگردد، استفاده از عناوین کیفری شروع به قتل عمد قابل توجیه می باشد. چنانچه انتقال بیماری ایدز بدون قصد قتل و بدون اطلاع از وضعیت ناقل بودن فرد صورت گرفته باشد، لکن وضعیت فرد به نحوی است که باید می دانسته که مبتلا به ایدز می باشد و یا احتمال ابتلا به این بیماری را دارد، ماده واحده قانونی طرز جلوگیری از بیماری های آمیزشی مصوب مجلس شورای ملی مراعات خواهد شد. همچنین، بنابر مباحث

مطرح شده این نتیجه به دست می آید که انتقال ایدز در سطح وسیع و به قصد سلب امنیت عمومی و تضعیف حکومت را می توان مصداقی از افساد فی الارض به شمار آورد. علاوه بر آن، عنوان کیفری وارد کردن ضرب و جرح عمدی را نمی توان در ابتدای بیماری صحیح دانست، مگر با اغماض بسیاری در عنصر مادی جرح، ولی خسارات و صدمات وارده قابل تدارک و جبران خواهد بود. از این رو جرم انگاری صحیح و مطلوب و مستقلى را می طلبد

پیشنهاد

۱. پیشنهاد می گردد که رفتارهای مجرمانه ناشی از انتقال ایدز مورد جرم انگاری قرار گیرد و قانون خاص در این رابطه به تصویب برسد. قانون مزبور باید از جامعیت لازم جهت پاسخگو بودن به تمامی مسائل مربوط به جنبه های حقوقی بیماری ایدز برخوردار باشد.
۲. در تصویب قانون خاص انتقال ایدز، نهایت تلاش باید صورت گیرد تا از اعمال تبعیض آمیز علیه مبتلایان به این بیماری و نقض حقوق اساسی، این افراد ممانعت به عمل آید.
۳. با توجه به اینکه خسارت ناشی از ابتلا به بیماری های خاص از جمله ایدز مبالغ بالای است و معمولاً افراد از عهده پرداخت آن بر نمی آیند، پیشنهاد می شود دولت با ایجاد صندوق حمایتی، غرامت این حوادث را در اسرع وقت پرداخت نماید و پس از مراحل دادرسی و تعیین مسوول، خسارت را مطالبه کند.

منابع و مأخذ

۱. امیر، سپهوند، حقوق کیفری اختصاصی ۱، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۲. آنتونی، گیدنز، مبانی جامعه‌شناسی و ترجمه منوچهر منصوری و نشرنی، ۱۳۷۸.
۳. ژان لویی، بودوان، ایدز قانون، مترجم محمود عباسی، تهران، انتشارات رسالت، ۱۳۸۱.
۴. شیرین، میرزاده، ایدز محرومیت از حقوق اجتماعی، نشریه همبستگی، ۱۳۸۴.
۵. عباس، رضایی، ایدز، اصفهان، انتشارات دانشگاه علوم پزشکی، چاپ اول، ۱۳۸۳.
۶. علی اصغر- سرکانی- - ایدز از پندار تا واقعیت، انتشارات سخن گستر، چاپ اول ۱۳۸۵
۷. فرامرز، گودرزی، اصول طب قانونی و مسمومیت‌ها، انتشارات روزنامه رسمی، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۱.
۸. مجید، خالقی، ایدز پیشگیری و مبارزه، انتشارات آسمان، چاپ اول، خرداد ۱۳۸۴.
- ۹- بهنام، یوسفیان، حقوق بین‌الملل و حقوق افراد ناقل ویروس بیماری ایدز، دادگستران، شماره ۴، ۱۳۸۴.
- ۱۰- علیرضا، میلانی، بررسی مسئولیت کیفری ناقل ویروس ایدز به فرد سالم، فصلنامه دادگستران، شماره ۴، ۱۳۸۷.
- ۱۱- محمد، روشن، بررسی فقهی و حقوقی انتقال بیماری از طریق تماس جنسی، فصلنامه حقوق پزشکی، سال اول، شماره اول، تابستان ۸۶



دانشگاه جهاد

Academia.edu
California-San Francisco

TBPN.com
Sponsored And Indexed

CiteFactor

مجله های ایران
Symposia

JREF.IR

Directory of Research Journals Indexing
DRJI

Sponsored and Indexed by
CIVILICA
We Respect the Science

CONF PAPER

ESJI
www.ESJindex.org

WORLD OF JOURNALS
بهامایش

Bahamayesh.com
پایگاه اطلاع رسانی
همایش های کشور

sciencealert

easyPapers
Scientific Research Services

INDEX COPERNICUS
INTERNATIONAL

کنفرانس یاب
www.conferenceyab.ir

جهت تقویت رزومه

SID

داوطلبان آزمون دکتری

اساتید دانشگاه، قضات، وکلا

دیر خانه: تهران، میدان انقلاب،
خیابان آردیبهشت، پلاک ۱۹۲
واحد پذیرش مقالات:

۵۲۶ و ۶۶۹۷۹۵۱۹ - ۲۱

واحد صدور گواهی نامه:
۸۴ و ۴۴۴۴۱۷۶۴ - ۲۱

مشاور و راهنمای ارسال مقالات:
۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵ - ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲

www.Ghanonyar.ir www.Olomensani.ir

موسسه قانون پار

با همکاری مراکز علمی و دانشگاه های داخلی و خارج از کشور همچون
مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی و نمایه مقالات در سایت sid.ir
(دانشگاه بین المللی رهنورد/بلخ/افغانستان)
(موسسه بین المللی icsi world of journals/ورشو/لهستان)
(انجمن علمی بین المللی citefactor/فینیکس/آریزونا)
برگزار می کند:



همایش ملی مطالعات حقوقی، علوم قضایی پژوهش های اجتماعی

محورها و همایش:

- * مقالات در گرایش های حقوق خصوصی، حقوق جزا
حقوق عمومی، حقوق بین الملل، حقوق قضایی، فقهی و ...
- * مقالات در گرایش های علوم ثبتی و علوم اقتصادی و بانکی
- * مقالات در گرایش ها و موضوعات علوم اجتماعی و علوم تربیتی

روش های ارسال مقالات به همایش:

- * ارسال فایل Word مقاله (به همراه شماره تماس) به ایمیل Phdsara@yahoo.com
- * ارسال فایل Word مقاله به واتس آپ یا تگرام شماره ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲



به ده مقاله برتر و برگزیده همایش، ده تقدیریه به همراه تقدیرنامه مخصوص اعطا می گردد.
به مقالات ارسالی و پذیرفته شده پژوهشگران، گواهی نامه معتبر اعطا می گردد.
تمامی مقالات همایش در پایگاه ها و سایت های ملی و بین المللی نمایه و درج می گردد.
داووری مقالات حداکثر سه روز می باشد و گواهی نامه در کمتر از یک هفته صادر می شود.